

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: YQ27510 ISSN-P: 2717-1132

تحلیل جرم بی حجابی در نظام عدالت کیفری ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۵/۱۲)

فاطمه حیدری^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد شهرکرد

دکتر امین امیریان فارسانی

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد

چکیده

برخی از رفتارهای نابهنجار در سطح اجتماع، ارتباط تنگاتنگی با نظم، امنیت، عفت عمومی و سلامت اخلاقی جامعه دارند که «عدم رعایت حجاب شرعی» در سطح جامعه یکی از مهم ترین این رفتارهاست. در جامعه اسلامی «حجاب» (پوشش اسلامی) یک رفتار بهنجار و رعایت آن یکی از ضروریات دین و از حقوق مسلم جامعه اسلامی است. قانونگذار نیز با درک آثار منفی «عدم رعایت حجاب شرعی» و ضرورت رعایت آن، «عدم رعایت حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی» را جرم شناخته و برای آن مجازات مقرر فرموده است (تبصره ماده ۶۳۸ ق. م. ا) که متأسفانه بسیاری از مشمولان این جرم از وجود آن بی اطلاع هستند. حال با وجود پدیده رایج «عدم رعایت حجاب، ظاهر و پوشش شرعی» در میان افراد جامعه ضرورت آن حس می شود که با این موضوع به نحو علمی برخورد کرده و ریشه های آن شناسایی و راهکارهای مناسب ارائه گردد. بنابراین در این تحقیق سعی بر آن است تا برای تحقق اهداف فوق، مساله «حجاب» و «عدم رعایت حجاب شرعی» از دیدگاه های شرعی، فقهی، جامعه شناختی، روانشناختی، جرم شناختی و حقوقی تبیین و تحلیل نماییم.

واژگان کلیدی: بدحجابی، عدم رعایت شئون شرعی، تعزیر، پیشگیری، پوشش و

حجاب

مقدمه

لباس به نیاز طبیعی خودآرائی و زیبایی دوستی انسان نیز پاسخ می دهد. تنوع الگوهای پوششی در میان افراد و نیز زیباییها و جذابیت‌های بکار رفته در لباسها مؤید این مسئله، می باشد. افراد با توجه به سلیقه، انگیزه ها و فرهنگ حاکم بر محیط، در انتخاب شکل، رنگ و جنس لباس مورد علاقه خود اعمال نظر می کنند و با جلوه گری از طریق آن به حس خودآرائی و زیبایی دوستی درونشان پاسخ می دهند. متأسفانه امروزه با زیاده روی در پرداختن به این امر، جنبه های منفی پوشش در قالب تجمل گرایی، مدپرستی و خودنمایی نمود بیشتری یافته است که می توان گفت علت اصلی آن غفلت از خودآرائی درونی و تهذیب نفس است. از سوی دیگر کارکردهای اجتماعی لباس را نمی توان نادیده گرفت. امروزه لباس هویت خاصی را به افراد و حتی جوامع بخشیده است. لباس در میان افراد جامعه نوعی منزلت و شخصیت اجتماعی را بوجود می آورد و در ابعاد منفی ایجاد تفاخر و چشم هم چشمی می کند. الگوهای مختلف پوشش ضمن ایجاد شخصیت و منزلت فردی می توانند بیانگر

لباس فراتر از یک نیاز طبیعی در زندگی انسانها، امروزه بعنوان نمادی از فرهنگ جامعه محسوب می شود. که این نماد و شاخص فرهنگی در قالب خرده فرهنگها و سنتهای قومی و قبیله ای بیشتر تجلی می کند به گونه ای که برای بازشناسی و تمایز فرهنگهای مختلف از یکدیگر می توان از الگوی پوشش آنان بهره گرفت. در گذشته و در میان قبائل، نوع لباس افراد، نشانگر تعلق آنها به قوم یا قبیله خاصی بوده است. لباس در زندگی امروزه انسانها نیز کارکردهای گسترده و متنوعی دارد. از جمله کارکردهای فردی این مقوله، پاسخگوئی به نیاز فطری خود استتاری است. براساس این نیاز، انسان در هر شرایطی حتی در محیطی که کسی نباشد، تمایل درونی به برخورداری از حداقل میزان پوشش دارد و از برهنگی می پرهیزد. همچنین تأمین امنیت فردی از جهت محافظت بدن از گرما و سرما و شرایط متنوع جوی و جلوگیری از تحریک هوسبازان برای هرگونه اقدام احتمالی، عامل مهمی برای رعایت پوشش در محیط خارج از خانه محسوب میشود. پوشش و بهره گیری از

کننده ای است که ارتکاب جرم را موجب می شود بنابراین با کنترل آن می تواند وقوع بزه را کنترل و پیشگیری نمود. در این نگاه پیشینی به جرم موضوع بزه دیده مداری به مثابه یکی از عوامل موجهه جرم مطرح می شود در واقع در فرایند تکوین جرم علاوه بر مجرم و خصوصیات فردی و اجتماعی که او در آن زندگی می کند بزه دیده و مجنی علیه نیز سهمی در حرکت مجرم از مرحله اندیشه و قصد مجرمانه به سوی عمل دارد که بر همین اساس بزه دیده شناسی را لازم و اجتناب ناپذیر می سازد. با پیشگیری از فرایند بزه دیدگی یعنی بزه دیده واقع شدن گروه هایی که بالقوه استعداد بزه دیده شدن دارند و آسیب پذیر می باشند می تواند به طور غیر مستقیم مانع از تکوین جرم شد. این همان پیش گیری وضعی است که وضعیت پیش از جرم را تحت کنترل خود در می آورد. در واقع در این دیدگاه وضعیت بزه دیده خود سائق مجرم به سمت او به عنوان آماج بزه بوده است. این بزه دیده است که به صورت فعال و نه منفعلانه زمینه ساز جرم شده است و بنابراین این تصویر سنتی که بزه دیده قربانی مظلوم و منفعلانه جرم بوده است را باید در موارد بسیاری فروگذارد و

سنتها، ارزشها و نوع فرهنگ حاکم بر جوامع باشند. مهمتر از همه، لباس امروزه نماد فرهنگی جوامع و جزئی از پیکره آن محسوب می شود تا جائیکه با هنجارها و ارزشهای حاکم بر جوامع گره خورده و بعنوان یکی از ابزار مهم در جهت شناسائی فرهنگهای مختلف و حتی تحول در ساختار فرهنگی یک جامعه بکار گرفته می شود پوشش و حجاب علاوه بر پیشینه ای تاریخی و فرهنگی از منظر ادیان الهی هم از جایگاه مخصوصی برخوردار بوده چنانچه در دین مبین اسلام طبق آیات قرآن و روایات، پوشش اندام و زیباییهای بدن به نحوی که زینت زنان را پنهان کند و حجم اندام را به نحو تحریک آمیز نشان ندهد برای زن مسلمان لازم و واجب است. به لحاظ جرم شناسی و بررسی موضوع از نگاه حقوق جزا با ذکر مقدمه ای به اصل موضوع می پردازیم. حقوق کیفری کلاسیک کانون توجه خود را بر مساله جرم و مجرم مستقر ساخته بود و با تفکیک بزهکار از بی گناه در مقام مجازات و تنبیه مجرم بود. حقوق کیفری نوین اما به مرحله پیش از جرم یعنی وضعیت پیش مجرمانه توجه خاص مبذول می دارد. چرا که معتقد است وضعیت پیش از ارتکاب جرم به مثابه کاتالیز و تسهیل

نگاهی علت شناختی به بزه دیده داشت. بی شک وضعیت زنانی که بدون رعایت حجاب در معابر عمومی ظاهر می شوند تحریک کننده بوده و سائق مجرم به ارتکاب جرم است. نمی توان برهنگی زنان را به رسمیت شناخت و آن گاه یکسره بر طبل مجازات متجاوز کوفت. جرم انگاری بد حجابی از این منظر ضرورتی است که منتفع اصلی آن خود زنان خواهند بود چرا که موجب پیشگیری از جرایم جنسی علیه ایشان می شود. قانون کیفری نیز به این تناسب می بایست در نظام تعیین مجازات سهمی را به نقش بزه دیده و اثر گذاری او در ارتکاب جرم اختصاص دهد. در مورد جرایم علیه زنان نیز آن گاه که پوشش و وضعیت ایشان محرک به جرم بوده است می بایست حمایت حقوق کیفری از آن ها نیز کاهش یابد. و در مبارزه با جرایم جنسی از نقش مهم و بی بدیل ضرورت مبارزه با فرایند بزه دیدگی که بد پوششی از مصادیق بارز و مسلم آن است غفلت نورزید. پیشگیری از جرم از تکالیف حکومت ها ست. بنابراین مبارزه با پدیده شوم بد حجابی از وظایف ذاتی دولت و قوای انتظامی و قضایی است. بی توجهی حکومت به این مقوله زمینه ساز رشد چشم گیر بد حجابی و جرایم ناشی از

آن مانند مزاحمت و تجاوز خواهد شد. پرداختن به انحرافات و آسیب های مذکور همواره توجه پژوهشگران و محققان دینی و غیر دینی را به خود جلب نموده و کتاب ها و مقالات و آثار متعددی تدوین، تنظیم و به مخاطبان ارایه گردیده است. در این جا به دور از کلی گویی های رایج و تجزیه و تحلیل های خاصه مقالات و آثار تحقیقات و پژوهش های مفصل، سعی شده است، به بررسی ابعاد مختلف پوشش و ظاهر اشخاص از نگاه حقوق جزا و در ادامه به ریشه یابی و ارایه راه کارهای عملی در مورد یکی از ناهنجاری ها و آسیب های اجتماعی و فرهنگی (یعنی بدحجابی) را مورد بحث قرار داده و متنی آموزشی مبتنی بر رویکرد حقوقی، جامعه شناختی و آموزه های وحیانی، به علاقمندان ارایه شود.

بخش اول: مبانی جرم انگاری در خصوص نحوه پوشش و ظاهر اشخاص
پاسخ هایی گوناگون به سوال چرایی جرم انگاشتن یک عمل داده شده است. یکی از پاسخهای مشهور این است که اعمال ناقض مذاهب رسمی و اخلاق متعارف در جامعه، مجرمانه و قابل مجازاتند. اگر چه به لحاظ مفهومی

جامعه دیگر بر پایه نظام و اندیشه سوسیالیستی. خاستگاه این نظام ها هر چه باشد و بر هر اندیشه ای استوار باشد - خواه درست یا غلط - وقتی به مرحله قوانین حکومتی آن جامعه رسیدیم، بحث الزام و اجبار در اجرای قانون، امری بدیهی و معقول است. حال اگر خاستگاه قوانین جامعه ای، نظام و اندیشه اسلامی باشد و بر این اساس قوانین آن کشور تنظیم و تصویب شود، از لحاظ ضمانت اجرا، و الزام و اجبار در اجرای آن، با سایر قوانین تفاوتی ندارد، و اعمال ابزار اجبار در اجرای این قوانین نیز امری بدیهی و معقول خواهد بود. بایستی بیان داشت که آزادی عقیده، می تواند درست باشد، اما آزادی عمل نه تنها در جامعه دینی و اسلامی، بلکه در هیچ جامعه ای وجود ندارد. تمام جوامع کم و بیش محدودیت هایی را بر اساس اصول و موازین حقوقی و اخلاقی آن جامعه وضع می کنند و جامعه آزاد مطلق نداریم. حتی در جامعه غربی امروز که خود را به عنوان جامعه باز و آزاد معرفی می کند، محدودیت هایی وجود دارد. محدودیت های آن جامعه بر اساس اصول خاصی که خود تعریف می کنند، اعمال می شود. حتی در برخی از آن جوامع مشاهده می شود که برای نوع پوشش مردان و زنان نیز محدودیت های

وتحلیلی یک رابطه ضروری میان حقوق، مذهب و اخلاق وجود ندارد ولی به لحاظ وجودی و درواقعیت بیرونی حقوق، مذهب و اخلاق نمیتوانند بدون یکدیگر وجود یافته و به حیات خود ادامه دهند .

بند اول: حفظ اخلاق و عفت عمومی

این بند را با طرح این سوال آغاز می نمایم که آیا وجوب یک پدیده دینی، می تواند مجوزی برای الزامی کردن و اجباری شدن آن در جامعه باشد؟

دردین اسلام موارد متعددی وجود دارد که انجام آنها به طورکل و یا تحت شرایطی واجب و قطعی بوده و تخلف از آن پیامدهای معنوی و اخروی مشخصی را به دنبال دارد. در مورد حجاب اسلامی برای زنان از آنجاکه این امر صرفاً در حوزه فردی قرار نمی گیرد و مهم تر از آن دارای اثرات مهمی بر کل اجتماع و سلامت روانی آن نیز می باشد، الزام به حجاب به نوعی اقدام در جهت منفعت عمومی جامعه تلقی می شود. (قافی، ۱۳۸۸، ص ۵۲) در هر جامعه سالم و متمدنی مجموعه قوانینی حاکم می شود که به تناسب باورها و عقائد افراد یا نخبگان آن جامعه، خاستگاه وضع آن قوانین متفاوت است؛ مثلاً در یک جامعه قوانین کشور بر پایه نظام و اندیشه لیبرالی بنا می شود و در

می‌شود. در شریعت اسلامی و جامعه بنیان شده بر موازین اسلامی بیان شده است که زنی که بدون پوشش کامل یا با پوشش برهنه‌نما و اغواگرانه در جامعه حضور پیدا می‌کند، او باعمل خویش علاوه بر این که خودش گناه کرده و نهی از منکر او واجب است و نباید اجازه گناه کردن آشکار و علنی به او داد، آزادی و امنیت روحی و روانی اجتماع بخصوص مردان جوان را نیز خدشه‌دار کرده و عفت اجتماعی را نیز متزلزل نموده است. جوانان اجتماع باید از سلامت روحی و اجتماعی بهره‌مند باشند و محیط جامعه برای آنان محیط سالم و عفیفی باشد و هنگام حضور اجتماعی عوامل فریب و انحراف و گناه آنان را احاطه نکند و این وظیفه حکومت است که این امنیت را فراهم آورد و حضور اغواگرانه زنان را ممنوع سازد و رعایت پوشش متین و موقر را برای حضور اجتماعی لازم بشمرد. در همین زمینه از علل و عواملی که قرآن به عنوان زمینه های آسیب اخلاقی جامعه می‌شمارد، حضور زنان بی حجاب در مجامع عمومی است که موجب تحریک نامحرمان و در نتیجه آزار دیدن زنان و تجاوز به ایشان و در هم شکستن هنجارهای اخلاقی جامعه می‌شود. خداوند در آیه ۳۰ سوره نور با توجه به این کارکرد پوشیدگی، از مردان و

قانونی وضع شده است. این مسئله در جامعه دینی نیز وجود دارد، با این تفاوت که در جامعه دینی احترام به قوانین دینی و مراعات آن که جنبه علنی و اجتماعی دارند، نیز مد نظر قرار می‌گیرد. افراد در اعتقاد و باور داشتن یا نداشتن آزاد هستند و جوابگوی اعتقاد و اعمال و تکالیف خود در نزد خداوندند، اما مراعات و احترام به قوانین اجتماعی و در مسئله ای مانند حجاب، حفظ عفت عمومی در جامعه دینی به دلیل حفظ مصلحت اجتماعی لازم است. مسئله حفظ عفت عمومی و تعادل اخلاقی جامعه به عنوان یک حق انسانی و هنجار اجتماعی شناخته می‌شود. در چنین شرایطی آزاد بودن شخص در نوع پوشش ممکن است موجب به هم خوردن تعادل اخلاقی جامعه، گسترش محرک‌گریزه جنسی و فساد اخلاقی، ایجاد آسیب‌های روانی و اجتماعی و تزلزل در بنیان‌های اجتماع مانند خانواده گردد. در چنین شرایطی این مسئله از یک موضوع شخصی خارج شده و یک موضوع اجتماعی تلقی می‌شود. بدیهی است که در چنین صورتی در هر جامعه ای، آزادی‌های فردی به جهت منافع اجتماعی محدود می‌شود و این موضوع در هر جامعه‌ای وجود دارد، یعنی به حقوق اکثریت افراد جامعه نظر

آزادی های انسان بر عهده ی کسانی است که رفتارهایی را جرم انگاری می کنند. و کسانی که مخالف این محدودیتهای کیفری هستند به اثبات ادعای خود نیازی ندارند. هرگونه پیش روی در فضای آزاد رفتاری شهروندان و افزودن بر منطقه ی الزام و کنترل شده ی رفتاری آنان از طریق توسل به حقوق کیفری در پرتو ساز و کار جرم انگاری، قبل از هر چیزی به توجیحات و دلایل معقول، علمی و قوی ای نیازمند است که عدول از محدودیتهای نظری و فلسفی را مجاز شمارد. هرگونه جرم انگاری بدون توجه به این محدودیتهای و مبانی حقوق کیفری می تواند چالش های متعددی را پدید آورد. بدین سان، می توان گفت که گستره ی جرم انگاری یا میزان مداخله دولت در فضای آزاد رفتاری شهروندان از طریق توسل به حقوق کیفری تابعی از نوع سیاست جنایی هر کشور می باشد. (قیاسی، ، ۱۳۸۵، ص ۵۵) سوالی که مطرح می شود، این است که با پذیرش اصل اباحه و ضرورت توجیه هرگونه ممنوعیت از طریق حقوق کیفری و وجود محدودیتهای و اصول نظری، این اصول و مبانی نظری در کجا قرار دارند؟ آیا صرف بیان آنها در فلسفه و اندیشه ی سیاسی یا حتی فقه اسلامی کفایت می کند یا

زنان می خواهد که پوشیدگی عورت را مراعات نمایند و اجازه ندهند که عورت هایشان دیده شود، باید همه بخش های بدن پوشیده ماند تا شخص هم خود در طهارت و پاکی روحی و روانی و جسمی باقی بماند و هم طهارت و امنیت اجتماعی جامعه حفظ شود؛ زیرا برهنگی موجب می شود تا طهارت و امنیت اجتماعی تهدید شود و جامعه به سوی تباهی و فروپاشی سوق داده شود. در نهایت بایستی بیان داشت اصل پذیرش دین آزاد است، اما اگر کسی دین را آگاهانه و آزادانه پذیرفت، آزادی در احکام دینی معنا ندارد. وقتی فرد اسلام را اختیار کرد، التزام و تعهد خود را نسبت به احکام آن و فرامین خداوند نیز اعلام داشته. مسلمانان که در یک جامعه دینی زندگی می کنند، باید احترام ارزش های دینی را داشته باشند و گناهان علنی را انجام ندهند.

بند دوم: حفظ نظم عمومی

اگر بپذیریم که اصل بر آزادی انسانهاست اعمال محدودیت و ممنوعیت (به ویژه از طریق حقوق کیفری) استثنا محسوب می شود. بدین ترتیب، در هنگام مداخله دولت همیشه فرضی به نفع آزادی وجود خواهد داشت. بر این اساس، بار اثبات ضرورت وجود محدودیت برای

ی قلمرو حقوق کیفری در عرصه ی حریم خصوصی افراد و بی توجهی به اصل استقلال فردی و حق متفاوت بودن افراد در جامعه، آثار و تبعات منفی را می تواند به دنبال داشته باشد. یکی از حوزه هایی که به ویژه بعد از انقلاب اسلامی موضوع جرم انگاری واقع شده حوزه فرهنگ است. گذشته از قانون مجازات اسلامی به عنوان هسته ی اصلی نظام عدالت کیفری ایران که برخی رفتارها در حوزه فرهنگ را جرم دانسته است، قوانین دیگر نیز در این زمینه وجود دارند که در زمینه ی نحوه ی پوشش افراد دست به جرم انگاری های گسترده ای زده اند. در طول دهه های گذشته معمول ترین سیاست های فرهنگی کشور مبتنی بر تدافع و سلب بوده است. از طرفی در انتظار بروز مشکل فرهنگی نشستن و آن گاه با صدور یک بخشنامه و یا تصویب یک قانون تعزیر و مجازات، جامعه را از گرایش به روش های نوین تبلیغی دشمن بر حذر داشتن و تکرار چنین وضعیتی در مسایل و معضلات گوناگون فرهنگی، از جمله حجاب کارا و جوابگو نبوده است. در این میان قابل ذکر است که یکی از حقوق مردم در جامعه، حق برخورداری از امنیت و آرامش است. ولی امنیت، پدیده تک بعدی نیست که صرفاً به امنیت نظامی یا اقتصادی یا

شناسایی این اصول در متون فرا تقنینی به منظور الزام قانونگذار به رعایت آن ها و پیش بینی ساز و کار نظارتی به منظور تضمین رعایت آن ها ضروری است؟ مهم ترین ساز و کار هر حکومت در پیش روی به حوزه آزادی های شهروندان توسل به ابزار جرم انگاری می باشد. جرم تلقی کردن یک فعل یا یک ترک فعل، فرآیندی است که به وسیله آن، رفتاری جدیدی مشمول قوانین کیفری می گردد. در واقع جرم انگاری فرآیندی است که طی آن برخی رفتارها از منطقه ی آزاد رفتاری شهروندان خارج و به درون قلمرو ممنوعه ی رفتاری راه می یابند، محدوده ی ممنوعه ای که هر گونه تجاوز به مرزهای آن با پاسخ سرکوب گر و قهر آمیز (کیفر) یا اقدامات تامینی مواجه خواهد شد. نگاهی گذرا به تاریخ حقوق کیفری نشان می دهد که جوامع در زمانها و مکانهای مختلف برای حمایت از ارزش های حاکم و مورد قبول خود بیش از هر چیز به حقوق کیفری متوسل شده اند. به عبارت دیگر، جرم انگاری رفتارهای مغایر با هنجارهای اجتماعی از مهم ترین ساز و کارهایی است که در طول تاریخ برای اعمال کنترل اجتماعی رسمی از آن استفاده شده است. (زینالی، ۱۳۸۸، ص ۲۵) حال باید بیان داشت که توسعه

کننده این پدیده، شناخت عوامل ضعیف کننده یا خنثی سازنده آن ها، مدل سازی و معرفی الگوهای رقیب، اهتمام شدید نسبت به شناسایی ارتباط این پدیده با دیگر عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موجود در جامعه و مانند آن، در این زمینه، نقش اساسی و تعیین کننده دارد. (ولیدی، ۱۳۹۰، ص ۹۲) در پایان می‌بایستی اظهارداشت درنقد و بررسی گفتمان کیفری قانونگذار ایران در ارتباط با پوشش مردم باید گفت دخالت حکومت، و نظارت و کنترل در این حوزه فی نفسه لازم است؛ اما باید با توجه به ارزش و کرامت والای انسان صورت گیرد و به موازات آن، ارتقای زمینه‌های فرهنگی در جهت پذیرش قانون و انطباق آن با قواعد رفتاری مورد توجه قرار گیرد.

بخش دوم: ارکان جرم عدم رعایت حجاب شرعی و تظاهر به عمل حرام

بند اول: عنصر قانونی جرم

قانونگذار بعد از انقلاب اسلامی به جهت اهمیت فوق العاده ای که برای حجاب در سطح جامعه داشته در موارد متعددی عدم رعایت حجاب شرعی را به عنوان جرم یا تخلف بیان و برای آن ضمانت اجرا مقرر نموده است. حال در این گفتار قصد بر این است که به ذکر آنها

سیاسی منحصر شود، بلکه پدیده ای چند بعدی است که امنیت و آرامش فکری، روانی و عقیدتی افراد را هم در بر می گیرد. بنابراین، در جامعه ای که اکثریت مردم، باورها و هنجارهای دینی خاصی را پذیرفته اند، رفتار مخالف با هنجارهای مقبول، امنیت و آرامش روانی و فکری جامعه را بر هم می زند و حتی از حقوق اکثریت را تضییع می کند. در این صورت، وظیفه دولت، تامین و پاسداری از این حق مردم خواهد بود. بی تردید حجاب و عفاف، یکی از هنجارهای الزامی دینی است که ترک آن موجب اختلال امنیت فکری، اعتقادی و روانی اکثریت جامعه مسلمانان می شود.

اولین و مهم ترین گزینه در برخورد با پدیده کم عفتی و بد حجابی، گزینه فرهنگی و تبلیغی است. این راه حلی اساسی و ریشه ای است. وظیفه نخستین و اصلی نظام اسلامی نیز اهتمام فراوان بر عملی شدن آن است. نظام اسلامی وظیفه دارد که ابتدا همه ظرفیت ها و امکانات جامعه اسلامی را در این زمینه شناسایی کند. سپس با هدف گذاری، سیاست گذاری و برنامه ریزی صحیح و حساب شده، با این معضل اجتماعی برخوردی فرهنگی داشته باشد. شناخت دقیق عوامل گوناگون پدید آورنده یا تشدید

به عنوان عنصر قانونی «جرم عدم رعایت حجاب شرعی» پرداخته و مجازاتی که برای مرتکبین عدم رعایت حجاب شرعی مقرر شده است را نیز بیان می‌داریم.

۱. تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰/۵/۸)

ماده ۶۳۸ ق. م. ا بیان می‌کند: «هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

تبصره این ماده نیز چنین مقرر می‌دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد». مفاد این تبصره، همان ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ است که صرفاً به تغییر مجازات از شلاق به جزای نقدی پرداخته است. از آن جا که مطابق ماده ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدها به نفع دولت در حبسهای زیر ۹۱

روز قاضی مکلف به تبدیل حبس به جریمه است، لذا مجازات حبس در این ماده فاقد موضوعیت است. حجاب در اسلام، برای زنان و مردان بیان شده، ولی این ماده تنها درباره زنان است و از حجاب و پوشش مردان سخن نمی‌گوید. اسلام، رعایت حجاب را نه فقط درباره پوشش ظاهری و پوشش اندام، بلکه درباره تمامی اعضا و جوارح مانند چشم و گوش ضروری دانسته، ولی قانون گذار در این ماده، فقط درباره پوشش اندام سخن گفته است. در این ماده، «حضور زنان بدون حجاب شرعی» یکی از مصداق های تظاهر به عمل حرام و اعمالی شمرده شده است که عفت عمومی را جریحه دار می‌کند.

اولین نکته در تبیین جرایم، بیان و تطبیق عناصر سه گانه جرم است. تبصره ماده ۶۳۸ ق. م. ا، که عنصر قانونی این جرم است. در این تبصره، برای رعایت نکردن حجاب اسلامی، مجازات تعیین شده است و با توجه به تعریف جرم در ماده ۲ ق. م. ا، این عمل جرم تلقی می‌شود. این قانون که مشتمل بر ۲۷ ماده است، در تاریخ ۱۳۷۲/۹/۷ به تصویب مجلس و در تاریخ ۱۳۷۲/۹/۱۷ به تأیید شورای نگهبان رسید. این قانون شامل مقررات تشکیل «هیئت های رسیدگی به

دستگاه های دولتی و دستگاه های
مشمول این قانون؛

ز) تنزل یک یا دو گروه و یا تعویق در
اعطای یک یا دو گروه به مدت یک تا دو
سال؛

ح) باز خرید خدمت در صورت داشتن
کم تر از ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی
برای مستخدمین زن و بیش از ۲۵ سال
سابقه خدمت دولتی در مورد مستخدمین
مرد با پرداخت ۳۰ تا ۴۵ روز حقوق
مبنای مربوط در قبال هر سال خدمت به
تشخیص هیئت صادر کننده رأی؛

ط) اخراج از دستگاه متبوع؛
ک) انفصال دایم از خدمات دولتی و
دستگاه های مشمول این قانون».

جرم «عدم رعایت حجاب اسلامی» در
این قانون، تخلف شناخته شده است و
شامل تنبیه های یادشده در ماده ۹ می
شود. هم چنین در ماده ۱۹ این قانون
آمده است در صورتی که تخلفات اداری،
عنوان جرمی از جرایم قوانین جزایی را
داشته باشد، هیأت رسیدگی کننده پس از
رسیدگی به تخلف، پرونده را برای
رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی
صالح ارجاع می دهد. پس به این پرونده،
دو بار رسیدگی می شود؛ یک بار در هیأت
های رسیدگی به تخلفات اداری و یک بار
در دادگاه صالح. هم چنین آرای صادر

تخلفات اداری کارمندان»، تشکیلات،
حدود و وظایف، احصای تخلفات اداری و
چگونگی رسیدگی، تجدید نظر و انواع
مجازات هاست. در فصل دوم این قانون،
با عنوان «تخلفات اداری» که شامل ۸
ماده می شود، از ۳۸ مورد به عنوان
تخلفات اداری نام برده شده است. قانون
گذار در ماده ۸ بیان می کند: «تخلفات
اداری به شرح زیر می باشد: ... ۲۰. رعایت
نکردن حجاب اسلامی...».

قانون گذار در فصل سوم با عنوان
مجازات ها، انواع مجازات ها را در ماده ۹ به
قرار زیر بیان کرده است:

«تنبیهات اداری به ترتیب زیر عبارتند
از:

الف) اخطار کتبی بدون درج در پرونده
استخدامی؛

ب) توبیخ کتبی با درج در پرونده
استخدامی؛

ج) کسر حقوق و فوق العاده شغل یا
عناوین مشابه حداکثر تا یک سوم از یک
ماه تا یک سال؛

د) انفصال موقت از یک ماه تا یک سال؛

ه) تغییر محل جغرافیایی خدمت به
مدت یک تا پنج سال؛

و) تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب
به پست های حساس و مدیریتی در

۴. انفصال موقت از سه ماه تا یک سال؛
۵. تنزل گروه (رتبه یا هر عنوان دیگر) یا پایه یا هر دو آن‌ها حداکثر تا دو گروه و دو پایه؛
۶. تغییر محل خدمت برای مدت حداقل یک سال و حداکثر پنج سال؛
۷. بازنشستگی با ارفاق حداکثر پنج سال برای افراد مابین پانزده تا بیست سال خدمت مشروط بر این که با این ارفاق، مجموع سنوات خدمت آن‌ها از بیست سال تجاوز نکند؛
۸. باز خرید افراد با کمتر از ۱۵ سال خدمت و بازنشستگی افراد با بیش از پانزده سال سابقه خدمت بر حسب آخرین پست سازمانی با توجه به سنوات خدمت؛
۹. بازنشستگی با تقلیل گروه با رعایت حداکثر مذکور در بند ۵ این ماده؛
۱۰. اخراج از وزارت خانه یا مؤسسه دولتی متبوع بعد از پرداخت کسور بازنشستگی شخص اخراج شده به خانواده وی؛
۱۱. انفصال دایم از خدمات دولتی و مؤسسات وابسته به دولت».
- در این قانون نیز «رعایت نکردن حجاب اسلامی»، جرم بوده و برای آن مجازات تعیین شده است.
۴. بند ۱۲ ماده ۷ قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و شده مانع اجرای یک دیگر نمی‌شوند. متن ماده ۱۹ به قرار زیر است: «هرگاه تخلف کارمند عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است مطابق این قانون به تخلف رسیدگی و رأی قانونی صادر نماید و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی صالح ارسال دارد. هر گونه تصمیم مراجع قضایی مانع اجرای مجازات‌های اداری نخواهد بود. چنان چه تصمیم مراجع قضایی بر برائت باشد، هیئت رسیدگی به تخلفات اداری طبق ماده ۲۴ این قانون اقدام نماید».
۳. بند ۵ ماده ۱۸ قانون بازداری نیروی انسانی وزارت خانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت (مصوب ۱۳۶۰/۷/۵) در بند ۵ ماده ۱۸ این قانون، رعایت نکردن حجاب اسلامی جزو اعمال خلاف اخلاق عمومی ذکر شده و ذیل ماده ۲۰ همین قانون، مجازات‌ها آمده است. متن ماده ۲۰ به شرح زیر است: «انواع مجازات‌ها به ترتیب اهمیت و درجه به قرار زیر است:
۱. توبیخ کتبی با درج در پرونده؛
 ۲. کسر حقوق و مزایا تا یک سوم از یک ماه تا یک سال؛
 ۳. تنزل مقام و یا تغییر رسته‌های شغلی؛

دارد. بنابراین قانون مجازات اسلامی در حدود تعارض، قانون سابق خود را تخصیص زده است؛ البته قانون «نحوه رسیدگی...» به اعتبار خود باقی است و میتوان آنرا مستند قانونی برای جرم عدم رعایت پوشش شرعی برای مردان است. محدوده تعارض این دو ماده میزان مجازات مقرر در هریک است. ماده دو قانون «نحوه رسیدگی...» از مجازات های تعزیری به شرح زیر نام می برد: «۱- تذکر و ارشاد ۲-توبیخ و سرزنش ۳- تهدید ۴- ۱۰ تا ۲۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال برای استفاده کننده ۵- ۲۰ تا ۴۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده کننده.» اما عنوان شد که این مجازات نسبت به بزه کاران زن اعمال نمی گردد. بنا براین مجازات عدم رعایت حجاب شرعی توسط زنان منحصر در همان موردی است که تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مقرر کرده است.

به نظر میرسد علتی که تبصره ماده ۶۳۸ تنها زنان را مشمول حفظ رعایت حجاب شرعی دانسته و از تکلیف شرعی مردان سخنی به میان نیاورده است این است که گروهی فلسفه پوشش در اسلام را بدان

مؤسسات آموزش عالی و تحقیقات کشور (مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲)

قانون گذار در ماده ۷ این قانون مقرر می دارد: «تخلفات انتظامی و جرایم شامل تخلفات انضباطی و اعمال خلاف شرع و اخلاق عمومی به قرار زیر می باشد...: ۱۲. ارتکاب اعمال خلاف شرع و عدم رعایت حجاب اسلامی...».

پیش از وضع ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵، ماده قانونی جرم عدم رعایت حجاب شرعی ماده چهارم قانون «نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهائی که استفاده از آنها در ملاعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می کند-مصوب ۱۳۶۵» بود. برابر این ماده: «کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات های مذکور در ماده ۲ محکوم می گردند.»

ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی ورود خاص بر عام است چرا که ماده چهارم مذکور نسبت به کلیه اشخاص عمومیت دارد، اما قانون مجازات اسلامی تنها به جرم فقدان حجاب شرعی زنان اختصاص

منظور یافته اند بدین شرح بیان شده که «دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است چرا که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلبها و دلها مرد شکار است و زن شکارچی، همچنانکه از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از این نوع حس شکارچیگری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباسهای بدن نما و آرایشهای تحریک‌کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه به خود اسیر سازد. لهذا انحراف تبرج و برهنگی از انحرافهای مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.» (زراعت، ۱۳۸۹، ص ۹۰) و یا بیان شده است: «اگر می‌بینیم که وظیفه پوشش به زن اختصاص یافته از این جهت است که ملاک آن مخصوص زن است. زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفتگی است. قهرا به زن باید بگویند خود را در معرض نمایش قرار نده نه به مرد. لهذا با اینکه دستور پوشیدن برای مردان مقرر نشده است عملاً مردان پوشیده تر از زنان از منزل بیرون می‌روند، زیرا تمایل مرد به نگاه

کردن و چشم چرانی است نه به خودنمایی و برعکس تمایل زن بیشتر به خودنمایی است نه به چشم چرانی. تمایل مرد به چشم چرانی بیشتر زن را تحریک به خودنمایی می‌کند و تمایل به چشم چرانی کمتر در زنان وجود دارد، لهذا مردان کمتر تمایل به خودنمایی دارند و به همین جهت تبرج از مختصات زنان است. زن دو نوع لباس دارد یکی لباس بیرون و دیگری لباس داخل منزل. آنچه اجازه داده شده این است که زنان سالخورده می‌توانند لباس رو را در بیاورند ولی در عین حال به آنها اجازه خودنمایی و خودآرایی داده نشده است» (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۹۰) اما به نظر میرسد که این گونه استدلال‌ات نمیتواند مستندی باشد برای اینکه قانونگذار تنها زنان را مورد شمول ماده قانونی حفظ رعایت حجاب شرعی بداند حال آنکه در قرآن عظیم الشان، خداوند متعال نخست حجاب را در مورد مرد، بعداً در مورد زن متذکر می‌شود. چنانچه در سوره نور قرآن کریم این گونه تذکر یافته است :

“بگو برای مومنان که پایان اندازند برخی از نظرهای خود را (یعنی چشم خود را از محرمات بپوشند) و نگهدارند شرمگاه خود را این پاکیزه تر است ایشانرا

شلاق دانسته بود. مکان تحقق این جرم معابر و انظار عمومی می باشد ولی قید معابر و انظار عمومی تاب تفسیر متعارض دارد.

سؤال قابل طرح این است که آیا قیود «علن» و «انظار عموم» باید هر دو موجود باشند تا بتوان وصف مجرمانه به عمل داد یا وجود یکی کافی است؟ چنانچه تحقق یکی از قیود را کافی بدانیم، ظاهر شدن بدون حجاب شرعی در محلی که معد حضور عموم است اما هیچ کس در آن جا حضور ندارد مثل سالن سینما که بین دو سانس خالی از تماشاچی است یا در محلی که معد حضور افراد نیست اما در منظر عموم است مثل بالکن منزل شخصی که رو به خیابان است دارای وصف مجرمانه است. در تعریف این دو اصطلاح، ابتدا باید به قوانین مراجعه کنیم. در هیچ قانونی، این دو اصطلاح تعریف نشده است. در ماده ۲۱۴ مکرر الف قانون مجازات عمومی چنین آمده بود: «از نقطه نظر قوانین جزایی (خواه این قانون و خواه قوانین جزایی دیگر)، مقصود از ارتکاب عمل به طور علنی، ارتکاب آن در مرئی و منظر عموم است، اعم از این که محل ارتکاب از امکانه عمومی باشد یا نه و یا ارتکاب آن در امکانه ای است که معدّ

(هر آئینه) خدا خیردار است به آنچه میکنند.» (سوره مبارکه نور، آیه ۳۰) هم چنین بیان شده است که هنگامی که یک مرد به سوی یک زن می نگرد و اگر فکر بی حیایی و بی باکی در ذهن اش خطور می کند، وی باید نظر خود را پایین بیاکند.

همان طور که بیان شد این طور نیست که مردان هیچ تکلیفی نداشته باشند و هر گونه خواستند میتوانند لباس بپوشند. از منظر دین اسلام و فلسفه حفظ پوشش و رعایت حجاب و عفاف و تمام این دستورات حفظ حرمت اجتماع و تامین امنیت جسمی و روحی جامعه و پیشگیری از نفوذ شیطان و افکار شیطانی در میان انسانهاست. بنابراین اگر مردی بداند حضور او در جامعه با وضعیتی خاص مانند پوشیدن لباس آستین کوتاه یا آرایش و پیرایش او دیگران را به گناه وا می دارد باید از آن وضعیت اجتناب کند.

بند دوم: علنی بودن یا ارتکاب در معابر و اماکن عمومی
مکان ارتکاب جرم:

تبصره ماده ۳۸۶ زنانی را که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر می شوند، مستوجب تعزیر تا ۷۴ ضربه

باشد، اگر کسی در خانه خود و در مقابل عده ای از مردم، مرتکب جرم یا حرامی شود یا در معبر، این کارها را انجام دهد، ولی کسی شاهد آن نباشد، مشمول حکم این ماده نخواهد بود.

با توجه به توضیحات ذکر شده آشکار گشت که اساساً علما، و فقهاء دینی درباره این مطلب که پوشش همه بدن بانوان در مواجهه با نامحرم به استثناء صورت و کفین واجب است اختلاف نظری ندارند تا دیدگاه نظری آنها متفاوت باشد. اما به نظر میرسد تبصره ماده ۶۳۸ که مربوط به جرم انگاری عدم رعایت حجاب شرعی است، دست کم از نظر تئوری قشر وسیعی از بانوان که وجه و کفین را کاملاً نمی پوشانند رامورد شمول حاکمیت خود قرار می دهد! واز این طریق قانونگذار به هدف خود که همان رعایت اخلاق و ارزشهای مذهبی و عرفی توسط افراد جامعه اسلامی است دست نمی یابد و بالعکس با تحت شمول قرار دادن طیف وسیعی از افراد به عنوان مجرمین عدم رعایت حجاب شرعی به دامن زدن جو بی اخلاقی و عدم رعایت شئونات شرعی همچون حجاب به عنوان نمادی دینی از جامعه اسلامی دست خواهد زد بنابراین با جمع بندی مطالب مذکور بایستی

برای پذیرفتن عموم باشد؛ از قبیل حمام های عمومی و قهوه خانه و نمایشگاه و مانند آن». هم چنین در حکم شماره ۴۱۳ به تاریخ ۸۱/۲/۱۳، صادره از شعبه ۲ این گونه تعریف شده است: «مقصود از ارتکاب عمل به طور علنی در قوانین جزایی اعم از این است که در مرئی و منظر عموم واقع شود یا در اماکنی که معدّ برای عموم باشد و معابر اعم از کوچه و خیابان و به طور کلی، هر محلی که ممرّ عام شناخته شود، امکانه عمومی محسوب است. احتراز مرتکب از رؤیت مردم و آشکار شدن موضوع، به هیچ وجه تأثیری در علنی بودن موضوع ندارد و همین که عمل در محلی به وصف مذکور، ارتکاب شود، علنی محسوب است». شرط تحقق عمل در انظار عمومی آن است که عده ای از مردم، آن را مشاهده کنند، ولی ارتکاب عمل در معابر، چنین شرطی را ندارد؛ یعنی انجام عمل در معابر کافی است، هر چند مردم شاهد آن نباشند. هم چنین با توجه به این که کلمه «معابر»، به وسیله حرف «واو» به انظار عمومی عطف شده است و با استناد به تفسیر مضیق قانون، ممکن است منظور قانون گذار، موردی باشد که عمل، واجد هر دو جنبه باشد؛ یعنی هم در انظار عمومی و هم در معابر

داشته است و اسلام مبتکر آن نیست. «حجاب اسلامی» عبارت است از: «پوشانیدن تمام بدن به استثناء صورت و دستها از مچ و عدم خودآرایی و خودنمایی در برابر نامحرم» چرا که خودآرایی و خودنمایی به فلسفه ع حجاب لطمه می زند، و نیز پوشش زن باید به گونه ای باشد که جذاب و محرک برای نامحرمان نباشد. میان پوشش و «حجاب» با فرهنگ در گذر تاریخ رابطه تنگاتنگی برقرار بوده است چنانکه اگر در جامعه ای پوشش افراد تغییر یافت فرهنگ نیز متحول شد و تغییر در فرهنگ نیز موجب تغییر پوشش گردیده است. رعایت یا عدم رعایت «حجاب شرعی» به نوبه خود دارای تبعات و آثار مثبت و منفی فردی و اجتماعی بسیاری است که مساله رعایت یا عدم رعایت حجاب شرعی را از یک امر شخصی صرف خارج نموده و آن را در حیطه رفتار اجتماعی افراد قرار داده است رسانه های جمعی کارکردهای مثبت و منفی در ارتباط با تبیین انحرافات اجتماعی ای همچون انحرافات پوششی و ظاهر اشخاص دارند. امروزه رسانه ها و وسایل فرهنگی با تولیدات و فرآوردهای فرهنگی متنوع محیطهای مرجع را به شدت تحت تاثیر خود قرار داده اند. و به

متصور از سه نوع از عدم رعایت حجاب باشیم:

اول: عدم رعایت حجاب شرعی به گونه ای که بدحجابی آن صادق نباشد .
دوم: عدم رعایت حجاب به گونه ای که بدحجابی محسوب می شود، ولی به حدی زنده نیست که با عفت و اخلاق عمومی مخالف باشد .

سوم: عدم رعایت حجاب به گونه ای که با عفت و اخلاق عمومی مخالف باشد .
با وجود قانون فعلی هر سه قسم جرم است، ولی پیشنهاد می شود تنها قسم سوم جرم انگاری شود . همچنین در مرحله اجرای این تبصره مانند برخی دیگر از قوانین، پیش از اعمال مجازات حبس و جزای نقدی، قاضی موظف باشد در دو مرحله قبل از مجازات به ترتیب برای بار اول به پند و اندرز متوسل شود و در مرتبه دوم به توبیخ بسنده کند و در مرحله سوم مجرمین مجازات شوند.

نتیجه گیری

با مراجعه به متون تاریخی اقوام و ملل وادیان مختلف در رابطه با پوشش و ظاهر افراد آنچه که مسلم است این است که پوشش و ظاهر اشخاص تحت عنوان «حجاب»، قبل از اسلام در جهان وجود

اجتماعی به اصطلاح «بدحجابان» یک واکنش اجتماعی است. این واکنش نشان می‌دهد که آن شخص، بد حجاب است پس اگر این برخورد منتج به اصلاح شخص نگردد بالعکس انگیزه جرم و انحرافات دیگر در آن شخص را تقویت می‌کند.

به نظر می‌رسد برای اینکه حجاب که یکی از ضرورت‌های دین اسلام است به عنوان یک باور و ارزش اجتماعی در جامعه تثبیت و در شخصیت دختران و زنان مسلمان درونی شود، بایستی از رویکرد قهری و اجباری پرهیز نمود، بلکه از طریق راهکارهای فرهنگی و جلب مشارکت‌های عمومی، مدنی و دولتی حجاب را به عنوان یک مسئولیت خطیر و حقی مسلم در نگرش بانوان وارد کرد، چرا که حجاب با اجبار وبدون عقیده، به یک یونیفرم سنگین تبدیل می‌شود و ماهیت معطوف به عفاف خود را از دست می‌دهد. بر این اساس فرضیه اول مبنی بر عدم تاثیر گذار بودن رویکرد قهری و اجباری اثبات می‌شود.

قانونگذار برای تضمین و حمایت حقوق و آزادی‌های فردی و نیز تامین نظم و امنیت عمومی و...، رفتارهای نابهنجاری را به طور مشخص جرم شناخته و برای آن

صورت گسترده ای انواعی از الگوها، قالبهای رفتاری، ارزشها وهنجارهای مشخصی را به جوانان ونوجوانان عرضه می‌دارند وتحلیل محتوایی این برنامه‌ها وتولیدات نشان می‌دهد بیش از هر چیز اخلاق ومعنویت مورد تهاجم قرار گرفته است. در جامعه ما، رسانه های جمعی بیش از سایر نهادهای جامعه پذیری در زمینه یادگیری حجاب نقش ایفا می‌کند و میزان جذب و یادگیری از طریق رسانه های جمعی به مراتب بیش از سایر نهادهای جامعه پذیری است. کوشش برای ممانعت از وقوع کجرفتاری یا مجازات آن خود باعث پیدایش کجرفتاری می‌شود که خود جریان مبارزه با کجرفتاری باعث پیدایش گروهی از افراد می‌شود که حتی اگر در ابتدا تعهد جدی به کجرفتاری نداشته‌اند پس از برچسب خوردن ومشخص شدن به شکل تدریجی بیشتر به این نوع رفتار متعهد و وابسته می‌شوند یعنی جریان نظارت وکنترل اجتماعی خود باعث پیدایش تصویر منفی از خود منفی در افراد کجرو می‌شود و این برچسب خوردن خواه ناخواه فرد را به سوی کجرفتاری بیشتر سوق می‌دهد طبق نظریه لمرت برخورد قهر آمیز و خشونت بار نیروهای پلیس با منحرفان

است، مشخص نمی کند. جریحه دار ساختن عفت عمومی نیز بسیار مبهم بوده و حقوق و آزادی های شهروندان را در عرصه عمومی در معرض تهدید قرار می دهد، زیرا عملی ممکن است در نظر یک پلیس یا قاضی عفت عمومی را جریحه دار سازد و بر عکس در نظر پلیس یا قاضی دیگر چنین نباشد که این امر اجرای قانون را بسیار سلیقه ای و تبعیض آمیز می سازد. بر این اساس فرضیه دوم مبنی بر اینکه ماده ۶۳۸ توانسته منظور اصل قانونی بودن جرایم را تامین کند رد می شود.

پیشنهادهات

- ۱- رعایت اصل تقوای الهی در عمل از طرف آمرین به معروف و ناهیان از منکر
- ۲- ارائه الگوی صحیح پوشش متناسب با اسلام و انقلاب برای دختران و پسران
- ۳- ارائه الگوهای امروزی که برای نسل جوان ملموس باشد (مانند : دعوت از کسانی که در زمینه های علمی، اجتماعی و... در بین نسل جوان موفق بوده و پوشش برتر دارند)
- ۴- ترویج فرهنگ اصیل اسلامی و قرآنی در صدا و سیما و سینما و حتی

مجازات معین کرده است. در حقیقت، مجازات نوعی ضمانت اجرا است که قانون برای یک رفتار نابهنجار در نظر می گیرد و حکومت اجرای آن را تضمین می کند. بهترین و موثرترین مجازاتها، مجازاتی است که با اهداف مجازاتها منطبق باشد. در این زمینه رعایت «اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها» مانع خودکامگی و اعمال سلیقه های قضات می شود و مقنن از این طریق احترام به حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی و همچنین اجرای عدالت را تضمین می کند. درباره مجازات «عدم رعایت حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی» پیشنهاد می گردد به فراخور نیاز و مصلحت فردی و اجتماعی از برخوردهای فرهنگی و کیفری مناسب و موثر استفاده گردد. به نظر می رسد که وضع ماده ۶۳۸ منظور اصل قانونی بودن جرم ها را به خوبی تامین نمی کند چرا که بر مبنای این اصل، عناوین مجرمانه باید به طور دقیق، صریح و روشن در قانون کیفری پیش بینی گردند تا افراد جامعه تکلیف خود را در رعایت آنچه که نباید از آن عدول نمایند، بدانند. ولی عنوان «فعل حرام» مفهوم بسیار گسترده و کش داری است که تکلیف شهروندان را به طور صریح و مشخص در مورد آنچه که ممنوع

۱۱- تعیین حدود و ثغور قانونی حجاب اسلامی با عنایت به فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی برای دختران و پسران در جامعه و مدرسه و دانشگاه با بهره مندی از نظر کارشناسان علوم اجتماعی و روانشناسان

۱۲- برخورد قاطع با متخلفین بصورت هماهنگ و متحد الشكل از طرف تمامی دستگاه های مسئول از قبیل : قوه قضائیه، نیروی انتظامی و ضابطین آنان در بسیج و... با پدیده ی بدحجابی و... (ارائه ی راه حل واحد در برخورد با بدحجابی و بی حجابی و پرهیز از تکرورها و کج سلیقگی ها در برخوردها

۱۳- برخورد شایسته و مبتنی بر عقلانیت و اصولی با پدیده ی تکنولوژی جدید (مانند : ماهواره و اینترنت) و تلاش در جهت ارائه ی تکنولوژی برتر و جایگزین و یا در صورت عدم توانایی در ارائه ی الگوی برتر، شناساندن محسنات آن بجای برخورد های احساسی و گاهی خدای ناکرده نابخردانه با آن، که خودنوعی ترویج می باشد!!! چراکه حتی کسانی که با آن آشنایی ندارند به دنبال چیستی؟ آن می روند، کما اینکه در چند سال اخیر تجربه ی مبارزه با ویدئو و ماهواره به چنین واقعه ای اذعان دارد

میادین شهرها (بصورت تابلوهای بیل برد) با ساخت فیلم، سریال، پخش مراسم عزاداری و هیئات مذهبی

۵- بیان محسنات حجاب اسلامی و تبلیغ خوبیهای حجاب و بیان مضرات بدحجابی و بی حجابی از طریق : همایش، کنفرانس، میزگرد... با بهره گیری از نسل جوان و با پوششهای مناسب

۶- در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی در امر به معروف و نهی از منکر بخاطر اثر گذاری و اثر پذیری و فرهنگ سازی از طریق مثبت نگری به مقوله حجاب و عدم بزرگنمایی بدحجابی.

۷- مجاب نمودن مسئولین بین خود و خانواده وزیر مجموعه ی اداری آنان (مانند : منشی ها و غیره)

۸- جلوگیری از تولید و فروش محصولات غیرفرهنگی و البسه های نامناسب

۹- توسعه و گسترش هیئات مذهبی و پخش از صدا و سیما و همچنین در بعضی مناسبات کشاندن آنان به خیابانها و میادین شهر

۱۰- برگزاری میزگردهای تخصصی با بهره گیری از متخصصین جوان در زمینه های مختلف علمی، سیاسی. اجتماعی

وبرگزاری میزگردهای تخصصی در این زمینه و یا ساخت سریالهای مناسب

۱۹- بیان غیر مستقیم مسایل فرهنگی از طریق صدا و سیما با ساخت فیلم، سریال و مصاحبه ودعوت از خانواده های موفق

۲۰- از بین بردن دغدغه معیشت برای خانواده ها وکم کرده ودر نهایت از بین بردن شکاف طبقاتی بین فقیر وغنی وبرخورد با سود جویان وسوء استفاده کنندگان در جامعه اعم از مسئولین وطبقات اول ودوم جامعه ودیگران. چراکه همسر یا مرد خانه از صبح زود به دلیل عقب نماندن از دیگران وتأمین معاش ورفق نیازوکسب رزق و روزی وبعضا رفاه طلبی بیش از حد توان تا پاسی ازشب درتمام هفته حتی گاهی جمعه هامشغول کاروتلاش بوده وازتوجه عاطفی ومعنوی اهل خانواده ی خودغافل است وهنگامی که همسر وپدرنتواندپاسخگوی احتیاجات غریزی وعاطفی خانواده ی خود باشد نوعی عقده وبیماری گریبانگیر آنان می شودکه کمبود احساسی وعاطفی (محبت)است که درنهایت ممکن است برای ارضاء آن گرایش به غیرقوت گرفته وکم کم زمینه های ناهنجاری بوجود آیدتا غریزه ارضاء شود. به عنوان نمونه : (به انحراف کشیده شدن بعضی ازخانم های متأهل)

۱۴- ایجاد حالت احساسی خوف ورجاء در جامعه :

خوف برای متخلفین ورجاء برای مردم وافراد سالم جامعه با وضع قوانینی که ضمانت اجرای عملی را داشته باشند ونظارت دقیق بر حسن اجرای آن قوانین از طریق مجلس محترم ودستگاههای نظارتی

۱۵- ایجاد اعتماد عمومی به حکومت با برخورد قاطع با فاسقین وفاسدین ومتجاهرین به فسق

۱۶- ایجاد اشتغال برای جوانان وسرگرم کردن این قشر عظیم به کار وتلاش وایجاد امنیت شغلی

۱۷- برقراری امنیت شغلی، اجتماعی، اقتصادی، رفاهی از طریق مسئولین ذیربط وتبلیغات گسترده رسانه های گروهی

۱۸- ترویج فرهنگ ازدواج واستحکام بنای خانواده با حمایت از مزدوجین وفرهنگ سازی در این رابطه وارائه ی راهکارهای عملی برای حصول به آن وسهل وآسان نمودن ازدواج از طریق : ساخت خانه های با مساحت کم وبصورت اقساط در اختیار زوجهای جوان گذاردن، تأمین اشتغال آنان، ارائه ی مشاوره های خانوادگی از طریق رسانه ی ملی وجراید

منابع و مأخذ

۱. ابراهیم زاده، حسن؛ ۱۳۸۷، حجاب، رسانه های جمعی و هویت ما؛ برگرفته شده از سایت راسخون
۲. اردبیلی، (مقدس) احمد بن محمد، ۱۴۱۶ ق، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الازهان، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۳۱،
۳. اسفندیاری، محمد، ۱۳۸۵، سوء تبلیغ و تبلیغ سوء، ماهنامه خرد نامه همشهری، ش ۷
۴. اسلامی، علی، ۱۳۸۸، راهکارهای برخورد با بدحجابی و فسادهای اخلاقی به روش های علمی، برگرفته شده از سایت راسخون
۵. افروغ، عماد، ۱۳۸۱، جامعه شناسی انحرافات در حکومت دینی، فصلنامه کتاب زنان، سال پنجم، ش ۱۸،
۶. امین صارمی، نودز؛ ۱۳۹۱، انحرافات اجتماعی و خرده فرهنگهای معارض؛ تهران دانشگاه علوم انتظامی ناجا، چاپ دوم
۷. ایوبی، حجت الله، ۱۳۸۶، نگذاریم مسائل اجتماعی، امنیتی شود، روزنامه شرق، ش ۸۸۳
۸. پیکا، ژرژ، ۱۳۹۲، جرم شناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ چهارم.
۹. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۹۰، گفتمان امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، نگاهی به مسائل امنیتی ایران، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم
۱۰. جاوید، محمدجواد، تابستان ۱۳۸۸، گفتارهایی در باب حجاب، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
۱۱. حداد عادل غلامعلی، ۱۳۸۴، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، سروش، ریال تهران، چاپ دوم
۱۲. حکیم الهی، مرتضی، ۱۳۸۲، زن و آزادی، تهران، فردوسی، چاپ دوم
۱۳. دایره المعارف زن ایرانی، به سرپرستی مصطفی اجتهادی، ۱۳۸۲، موسسه فرهنگی هنری نقش سیمرغ، چاپ اول

۱۴. دورانت، ویل جیمز، ۱۳۸۵، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، چاپ ششم
۱۵. ذوالفقاری، حسین، ۱۳۸۵، موانع و مشکلات ناجا در کنترل بدحجابی، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال اول، ش اول
۱۶. زینالی، امیرحمزه، ۱۳۸۸، مبانی مداخله حقوق کیفری ایران در حوزه فرهنگ، تازه های علوم جنایی زیر نظر حسین علی نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چ اول
۱۷. شیرازی، ناصر مکارم، ۱۴۲۷ ه ق ، دائرة المعارف فقه مقارن، در یک جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، چ اول
۱۸. صدیق سروستانی، رحمت الله؛ ۱۳۸۶، آسیب شناسی اجتماعی؛ تهران، انتشارات سمت
۱۹. صلاح، مهدی، بهار ۱۳۸۸، کشف حجاب، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، چاپ دوم
۲۰. طباطبایی، سیدعلی، ۱۳۸۸، بدحجابی، ریشه ها، تاملی بر ابعاد عملی و تجربی حجاب، پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی